|  |  |
| --- | --- |
| ارزیابی میزان تحقق «حق به شهر» در برنامه‌های دولتی برای ساخت مسکن؛ مورد پژوهشی: فاز سوم مجموعه مسکن مهر خرم آباد (دره گرم)  **رضا مطهر1، محمدصالح شکوهی بیدهندی2**\*   1. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران 2. دکترای شهرسازی و استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران | |
| **Assessing the "right to the city" in governmental housing projects; Case study: The third phase of Mehr housing complex in KhorramAbad (Darregarm)**  Reza Motahar 1, Mohammadsaleh Shokouhibidhendi 2\*   1. M.S. in Urban Planning, Iran University of Science and Technology 2. Assistant Professor at Iran University of Science and Technology | |
|  | |
| \*Corresponding Author: shokouhi@iust.ac.ir shokouhi@iust.ac.ir: ایمیل نویسنده مسئول | |
| **چکیده** |  |

حق به شهر را حق برخورداری از فضای غنی فرهنگی تعریف کرده‌اند. از زمان طرح این مفهوم توسط لوفور، حدود 50 سال می‌گذرد و در این فاصله، پژوهش‌های مختلف، معیارهای گوناگونی را برای بسط نظری و سنجش حق به شهر پیشنهاد داده‌اند. در ایران نیز، برخی صاحب نظران متوجه این مفهوم‌اند و گاهی در برنامه‌های توسعه شهری نیز بدان اشاره می‌شود. به ویژه، زمانی که دولت‌ها، مداخلات گسترده‌ای را برای تامین مسکن اقشار مختلف و به خصوص دهک‌های کم درآمد انجام می‌دهند، این پرسش مطرح می‌شود که این برنامه‌های تولید مسکن، چه اندازه حق به شهر را در نظر می‌گیرند.

مطالعه حاضر تلاش می‌کند در یک محدوده مطالعاتی (فاز سوم مجموعه مسکن مهر خرم آباد)، به این پرسش پاسخ دهد. روش پژوهش ، روش کمی و مبتنی بر پیمایش میدانی است. بدین ترتیب پس از مرور مبانی موجود و تدوین معیارهای سنجش میزان تحقق حق به شهر، پرسش‌نامه‌ای ساختار یافته با طیف لیکرت تهیه شده است. نمونه‌گیری تحقیق به صورت تصادفی و حجم نمونه برابر 100 خانوار در نظر گرفته شد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در مجموع، پروژه‌ی فاز 3 مسکن مهر خرم آباد نتوانسته است حق به شهر را برای ساکنان خود تأمین نماید. به ویژه مهم‌ترین ضعف‌های این مجموعه، در تحقق حقوق اقتصادی نظیر فقرزدایی، حق به کار و حق برخورداری از کمک برای افراد با نیازهای ویژه بوده است. این موضوع با توجه به اینکه یکی از دلایل اصلی ایجاد مسکن مهر و مداخلات دولتی در بازار مسکن، اهداف اقتصادی است، می‌تواند بحث‌انگیز باشد.

**واژه­هاي کليدي**

حق به شهر، مسکن مهر، مسکن دولتی، خرم آباد.

**Abstract**

The concept of the right to the city, which has been posed since the mid 1970s, has animportant place in the urban planning literature. It referes to the rights of people living in the city and has been defined as the right to benefit a rich cultural space. It has been around for about 50 years since the conception of this concept by the French philosopher Henri Lefebvre. In these five decades, different researches and scholars have proposed several criteria for the theoretical development of the right to the city. In Iran, some scholars also know this concept and it has sometimes been refered in urban development plans. In particular, when the government engages in widespread interventions to provide housing for various strata, especially low-income people, it is questioned how much these housing development plans consider the right to the city.

The present study tries to answer this question in a study area (3rd phase of Mehr Housing Complex in KhoramAbad), which is a governmental housing project to upgrade situation of poor people in KhorramAbad (There are lots of similar projects in other cities of Iran entitled Mehr housing projects which have been started since 2013 up to now). The study has a quantitative and field-based approach. So, after reviewing the available literature and developing criteria and indicators for measuring the realization of the right to the city, a structured questionnaire has been prepared. Sampling was done randomly and a sample size of 100 households has been considered.

The research findings show that, in general, the 3rd phase of Mehr Housing Complex in KhoramAbad has not been able to provide its residents' right to the city. In particular, the most important weaknesses in this complex were the realization of economic rights such as empowerment, the right to work and the right to help people with special needs. This issue can be controversial, given that one of the main reasons for the construction of Mehr Housing Complex and government interventions in the housing market has been economic goals and supporting poor people.

**Keywords:** Right to the city, Mehr housing, Governmental housing, Khorramabad.

**1- مقدمه**

احتمالا برای اولین بار، در دهه 1320 شمسی، دولت اقدام به ساخت مجتمع­های مسکونی برای یک گروه یا قشر اجتماعی کرد (طالبی و دیگران، 1393: 26؛ کامی شیرازی و دیگران، 1396: 32). از آن زمان تاکنون، به تدریج در مداخلات دولتی و پروژه بزرگ مقیاس تعریف شده از سوی دولت­ها، در ادوار مختلف، سهم زیادی از تامین مسکن را شامل شده است. به ویژه اینکه در دهه­های اخیر، موضوع تامین مسکن برای اقشار کم درآمد به عنوان یک سیاست کلان دولتی مد نظر قرار گرفت و پروژه­هایی تحت عنوان مسکن مهر، در شهرهای مختلف بنا نهاده شد. یکی از شهرهایی که پروژه مسکن مهر در آن ایجاد شده، شهر خرم آباد است.

شهرستان خرم آباد، مرکز استان لرستان، با جمعیت 506 هزار و 471 نفر، یکی از کلانشهرهای مهم غرب کشور است که در برنامه مسکن مهر، دو محدوده کمالوند و دره گرم برای ساخت جمعا 6 هزار و 500 واحد در سه فاز، برای آن در نظر گرفته شده است. مطالعه حاضر، بر روی مجموعه مسکن مهر فاز 3 در محدوده دره­گرم (یکی از دو محدوده مسکن مهر) متمرکز است.

عملیات ساخت مجموعه مسکن مهر در سال 1390 آغاز شده است و تا امروز بالغ بر 5 هزار واحد در این شهر ساخته شده است که از این تعداد حدود 4 هزار واحد بهره برداری شده است. طبق سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران و همچنین مصاحبه با رییس سازمان مسکن و شهرسازی خرم آباد (شاکرمی)، در سال 1396، حدود 2900 خانوار در این مجموعه ساکن می­باشند. پرسش این است که این ساکنان، چقدر از «حق به شهر» برخوردارند؟ برای پاسخ با این پرسش، باید اولا مفهوم حق به شهر به درستی تبیین گردد و ثانیا معیارها و شاخص­های سنجش آن مشخص شوند. مطالعه حاضر تلاش می­کند تا با صورت­بندی مفهوم حق به شهر، نظامی برای سنجش این مفهوم پیشنهاد کند و سپس با کاربست این نظام سنجش، مشخص کند که میزان تحقق حق به شهر در مجموعه مسکن مهر فاز 3 (دره گرم) خرم آباد چه اندازه است. این مطالعه همچنین می‌تواند نشان دهد که از نظر ساکنان مجموعه مورد مطالعه چه معیارهایی از حق به شهر بیشتر و چه معیارهایی از حق به شهر کمتر تامین شده است. یافته­های این پژوهش می­تواند به اصلاح رویکردها و برنامه‌ها در این پروژه یا پروژه­های مشابه مداخله دولتی در تامین مسکن منجر گردد.

**2- مبانی نظری: مفهوم حق به شهر**

مفهوم حق به شهر، یکی از مفاهیمی است که در سال­های اخیر مورد توجه برنامه­ریزان شهری جهان قرار گرفته است. این مفهوم برای اولین بار در سال 1968 توسط آنری لوفور فیلسوف و متفکر فرانسوی مطرح گردید. طرح مفهوم حق به شهر، علاوه بر آن که توجه بسیاری از نظریه‌پردازان شهرسازی را در جهان به خود جلب کرد، در عرصه‌ی عمل نیز منجر به شکل­گیری جنبش­های اجتماعی متعدد و صدور منشورها و قوانینی شد. مفهوم حق به شهر مفاهیمی چون عمومی بودن، تنوع و رقابت بر سر فضا را دربر می­گیرد. در گفتار لوفور شهروند واژه­ای است که به تمام ساکنان شهر اطلاق می­شود و دو حق را برای آن در نظر می­آورد: 1- حق تملک فضا 2- حق مشارکت شهری (رفیعیان، الوندی­پور 1394:29). همچنین پورسل نظریه‌پرداز دیگری است که مفهوم حق به شهر را به کار می‌گیرد و توضیح می‌دهد که حق به شهر را می‌توان به مثابه کنشی برای گسترش حقوق زیست ساکنان شهری تلقی کرد (Purcell, 2014). پورسل همچنین در مقاله خود تحت عنوان «واکاوی لوفور؛ حق به شهر و سیاست­های شهری ساکنان شهر» حق به شهر را راه حلی برای افزایش یا ایجاد مقاومت ساکنان شهر در برابر ساختارهای تحمیلی و شکل دهنده به شهر و هم چنین سیاستی برای رسیدن به فضاهای شهری می­داند (Purcell, 2002:99-108). مارک پورسل، دو مفهوم حق مشارکت و حق تملک فضاهای شهری را در نظریه حق به شهر آنری لوفور اینگونه توضیح می­دهد: حق مشارکت به این معناست که ساکنان شهر به دلیل سکونتشان دارای حق و مشروعیت برای دخالت در تولید فضای شهر هستند و انسان به دلیل سکونت واجد آن می­شود. حق تملک نیز اشاره به این نکته دارد که نمی­توان ساکنان را از حق تملک فضاهای شهری مثلا به واسطه مالکیت خصوصی، محروم کرد (مداح و روشن­فکر، 1394:61). لوفور در این زمینه می­نویسد: «تملک نه تنها به معنای تصرف فضاهای شهری فعلی و موجود است که به معنای حق تولید فضای شهری متناسب با نیازهای ساکنان است» (Lefebvre, 1996:179). حق تملک با توانایی سرمایه برای ایجاد ثروت با استفاده از فضای شهری مقابله نموده و برای ارزش استفاده‌ای و نه مبادله­ای این فضاها برای ساکنان، اولویت قائل می­شود (ایراندوست و دوست­وندی، 1394:187). به نظر می­رسد که لوفور و پورسل حق به شهر را تنها در یک بُعد نمی­دانند، بلکه آن را حقی برای تمامی ابعاد تاثیرگذار در زندگی تلقی می‌کنند.

سوجا و دیوید هاروی نیز در نظریات خود به بیان مفهوم حق به شهر پرداخته‌اند. ادوارد سوجا معتقد است که حق به شهر نه تنها موضوع مجدد تصرف فضاهای شهری است بلکه موضوع حمله با فرآیندهای گسترده و روابطی است که سبب بی­عدالتی در شهرها می­شود (Marcuse and Soja, 2011:250-259). دیوید هاروی نیز حق به شهر را نوعی حقوق بشر می­داند که بسیار بالاتر از آزادی فردی شهروندان و ساکنان در رسیدن به امکانات و منابع شهری است. او حق به شهر را حق تغییر خودمان توسط تغییر شهر می­داند (Harvey, 2003). بنابراین می‌توان گفت دیوید هاروی حق به شهر را حقی جمعی می­داند و مهم­ترین و با ارزش­ترین حق نیز تلقی می‌کند.

همانطور که در ابتدا بیان شد مفهوم حق به شهر (مطرح شده توسط آنری لوفور) علاوه بر آنکه مورد توجه نظریه‌پردازان متعددی قرار گرفت، در عرصه عمل نیز منجر به شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی متعدد و صدور منشورها و قوانین در کشورهای مختلف شد. در سال 1966، مفهوم حق به شهر در اجلاس بین المللی هبیتات 2 به صورت روشنی مطرح شد و حق به مسکن برای اولین بار بررسی شد و سپس در سال 2004 منشور جهانی حق به شهر توسط هبیتات ارائه شد (ایراندوست و دوست­وندی، 1394:189). علاوه بر پورسل، سوجا و هاروی، تعداد بسیاری زیادی از متفکران، تفاسیری از آرای لوفور در زمینه حق به شهر ارائه داده یا به انتقاد از آن پرداخته­اند. برای مثال تنها در یک مجله که در سال ۲۰۱۰ و توسط ائتلاف بین المللی سکنا انتشار یافته است طیف وسیعی از نظرات و رویکردها مطرح شده است: جوردی برجا، این حق را از منظر گسترش دموکراسی در شهر مورد بررسی قرار داده است، ایوجوف، یک بررسی انتقادی از حق به شهر با تمرکز بر دسترسی به فضای شهری ارائه کرده، تووی فنستر و شلی باکینگهام، رویکردی جنسیتی را در پیش گرفته­اند، پاتریشیا ازکوئرا و هنری رنا، بعد ضروری دیگری را به آرمانشهر لوفور می­افزایند و آن حق بر شادی است (مداح و روشنفکر، 1394: 65). پیتر مارکوزه به بحث درباره دوگانگی میان رویکرد فردگرایانه به حقوق بشر و رویکرد جمعی به حق به شهر می­پردازد. ژوزپه کاروسو، به این سوال پاسخ می­دهد که چگونه حق به شهر می­تواند یک جنبش جهانی را زیر لوای خود بسیج کند و نهایتا انریکه اورتیز و بولا فاجمیروکون به شرح نحوه بسط این حق در مناطق مورد مطالعه‌ی خود یعنی آمریکای لاتین و آفریقا پرداخته­اند (همان). بنابراین مشاهده می­شود که پس از آنری لوفور، بسیاری از اندیشمندان و نظریه پردازان تلاش در بسط نظریه او داشته­اند و در این زمینه هرکدام به ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جنسیتی و نظایر آن متوجه بوده­اند.

مفهوم حق به شهر، تداعی­کننده حقوق شهروندان می­باشد. این حقوق را می­توان در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، قانونی و کالبدی دسته‌بندی کرد. در دو دهه‌ی اخیر در سطح جهانی، به ویژه از زمان «مجمع اجتماعی جهانی اول»، که سال 2001 در شهر پورتوالگره برزیل برگزار شد، گروهی از جنبش­های اجتماعی، سازمان­های غیردولتی، مجمع­ها و انجمن­های حرفه­ای و شبکه­های کشوری و بین المللی درگیر مبارزه اجتماعی برای شهرها به منظور دموکراتیک­تر شدن فضا و زندگی شهری شدند. این گروه، پیش نویسی از منشور جهانی تهیه کردند که مسئولیت­ها و راهکارهای اجرایی جهت فراهم آوردن شرایط و زمینه­های دستیابی به حقوق انسانی از جمله حقوق شهروندی و حق به شهر را بیان می‌کند. بر این اساس، جامعه مدنی، مقامات محلی و دولت­های ملی و سازمان­های بین‌المللی باید به این مسئولیت‌ها و راهکارها توجه کنند (تقوایی و همکاران، 97: 1394). بنابراین مفهوم حق به شهر، مفهومی دربردارنده است که جنبه­های مختلف زندگی را درنظر می­گیرد، و می­تواند با راهکارهای اجرایی محقق گردد.

آنطورکه مشاهده می­شود از بعد سیاسی مفهوم حق به شهر بیشتر با واژگانی نظیر مشارکت سیاسی، آزادی و تمامیت، جامعه­ای مردم سالار و حق تجمع و تظاهرات همراه می‌شود. بعد سیاسی حق به شهر یکی از اساسی­ترین ابعاد مفهوم حق به شهر می­باشد. تحقق مفهوم حق به شهر بدون آزادی­ها و مشارکت سیاسی و داشتن جامعه­ای مردم سالار محقق نمی­گردد.

یکی دیگر از ابعاد حق به شهر، بُعد مربوط به حقوق اقتصادی است. بر اساس ادبیات موجود، شاید بتوان یکی از اولین اقدامات تحت عنوان حق به شهر در بعد اقتصادی را در برزیل جستجو کرد؛ جایی که سازمان‌هایی در میان فقرای شهری، خصوصاً در محله‌های فقیر شهرهای بزرگ، شروع به دفاع از حق به شهر برای زاغه‌نشینان کردند. کار آن‌ها به تعریف قانونی ایالتی که بر توسعه شهری نظارت دارد، کمک کرد (پورسل، 1397). قانون اساسی ایران نیز، برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن ‌کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، ضوابطی را بیان داشته است که شامل تأمین نیازهای اساسی، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه، برنامه‌ریزی برای ایجاد فرصت و توان خودسازی و افزایش مشارکت و مهارت و ابتکار، آزادی انتخاب شغل، منع انحصار، احتکار و اسراف، استفاده‏ از علوم‏ و فنون‏ و تربیت‏ افراد ماهر، جلوگیری‏ از سلطه‏ اقتصادی‏ بیگانه و و تأکید بر افزایش‏ تولیدات‏ کشاورزی‏، دامی‏ و صنعتی‏ به منظور خودکفایی می‌شود (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصل چهارم، اصل 43). می‌توان گفت حق اقتصادی به عنوان یکی از حقوق عمومی، بیشتر با حقوقی مانند حق فقرزدایی، حق به کار، رقابتی شدن و... قابل تشریح می‌گردد.

بعد دیگر مفهوم حق به شهر، بعد اجتماعی است. حقوق اجتماعی از جمله حقوقی هستند که باید توسط دولت تضمین شوند. بر اساس نظر مرتضی مطهری، «افراد بشر از لحاظ حقوق اجتماعی غیرخانوادگی، یعنی از لحاظ حقوقی که در اجتماع بزرگ، خارج از محیط خانواده نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند، هم وضع مساوی دارند و هم وضع مشابه؛ یعنی حقوق اولیه‌ی طبیعی آنها برابر یکدیگر و مانند یکدیگر است؛ همه مثل هم حق دارند از مواهب خلقت استفاده کنند، مثل هم حق دارند کار کنند، مثل هم حق دارند در مسابقه زندگی شرکت کنند، همه مثل هم حق دارند خود را نامزد هر پست از پستهای اجتماعی بکنند و برای تحصیل و به دست آوردن آن از طریق مشروع کوشش کنند، همه مثل هم حق دارند استعدادهای علمی و عملی وجود خود را ظاهر کنند» (مطهری، 1389: 106). در بعد اجتماعی حق به شهر می‌تواند با حقوقی مانند دسترسی شهروندان به مسکن و اوقات فراغت و همچنین ارتقای حیات شهری در راستای توجه به نیازهای اجتماعی تعریف گردد. بنابراین باید جامعه بسترهای لازم را جهت تحقق این حق مهم فراهم کند.

به جز ابعاد پیش گفته در تشریح ابعاد مفهوم حق به شهر، به ابعاد دیگری مانند حقوق فنی-کالبدی، حقوق زیست محیطی و حقوق قانونی نیز می­توان اشاره کرد. افزون بر این ابعاد، شهروندان از حقوق کلانی مانند حق به اطلاعات، حق به عدالت و حق به امنیت برخوردارند که در هیچ یک از ابعاد خلاصه نمی­شوند، برخوردارند.

**3- روش شناسی**

با توجه به دیدگاه­های صاحب نظران و مباحث پیش گفته، این مطالعه در تلاش برای ارزیابی وضعیت حق به شهر در یک محدوده­ی شهری، نیازمند چارچوبی از ابعاد و معیارهای قابل سنجش است. در این چارچوب ابتدا معیارهای مورد نظر صاحب نظران مختلف (جمعا 60 معیار) ارائه شده است (جدول 1).

**جدول 1: معیارهای حق به شهر**

| منبع | معیار | شماره |
| --- | --- | --- |
| ایزدی، 1394؛ مداح و روشنفکر، 1394؛ جودی گل­لر و همکاران، 1394؛ ترکمه و خدایی، 1394؛ حائری، 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394؛ موسویان، 1394؛ ایرامنش و مختاری، 1394 | -حق به مشارکت | 1 |
| ایزدی، 1394؛ ترکمه و خدایی، 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394 | -حق به کنترل بر فضاهای شهری | 2 |
| ایزدی، 1394 | -کاستن از قدرت متمرکز دولت | 3 |
| ایزدی، 1394 | -رشد و بالندگی ساختار اجتماعی | 4 |
| ایزدی، 1394 | -رشد گفتمان ها | 5 |
| ایزدی، 1394 | -باز تعریف هویت شهر | 6 |
| ایزدی، 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394 | -حق تغیر شهر براساس خواست شهروندان | 7 |
| ایزدی، 1394 | -ارتقا حیات شهری | 8 |
| پیران، 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394 | -حق به آزادی دوباره ساختن شهر و بازسازی خودمان | 9 |
| پیران، 1394 | -حق توجه به بعد روحانی و عرفانی شهروند | 10 |
| پیران، 1394 | -فقرزدایی | 11 |
| پیران، 1394 | -تشکیل سازمان های مردم نهاد | 12 |
| پیران، 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394 | -شکل گیری و بالندگی روابط دیالکتیک | 13 |
| پیران، 1394 | -جامعه ای مردم سالار و دموکراتیک | 14 |
| تقوایی و همکاران، 1394؛ ایرامنش و مختاری، 1394 | -حق به کار | 15 |
| مداح و روشنفکر، 1394؛ جودی گل­لر و همکاران، 1394؛ حائری، 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394؛ موسویان، 1394؛ ایرامنش و مختاری، 1394؛ پیران، 1394؛ سولماز، 1394؛ میچل و همکاران 1394. | -حق دسترسی به امکانات آموزشی و فرهنگی | 16 |
| -حق دسترسی به امکانات بهداشتی | 17 |
| -حق دسترسی به حمل نقل عمومی | 18 |
| -حق دسترسی به اوقات فراغت | 19 |
| -حق دسترسی به آب و غذا | 20 |
| حائری، 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394؛ ایرامنش و مختاری، 1394؛ پیران، 1394؛ سولماز، 1394؛ خیرالدین و دلایی میلان، 1394؛ ایزدی، 1394 | -حق به دسترسی/ تامین نیازهای پایه‌ای/ خدمات شهری | 21 |
| ایرامنش و مختاری، 1394 | -حق دسترسی شهروندان به برنامه‌ریزی، مدیریت شهری و طراحی شهری | 22 |
| میچل و همکاران 1394 | -کمک های نقدی | 23 |
| مداح و روشنفکر، 1394؛ ترکمه و خدایی، 1394؛ جودی گل­لر و همکاران، 1394؛ حائری، 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394؛ ایرامنش و مختاری، 1394؛ میچل و همکاران 1394 | -حق به مسکن اجتماعی | 24 |
| میچل و همکاران 1394 | -حق به تعیین نحوه تولید و توزیع ارزش‌های اضافی | 25 |
| میچل و همکاران 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394؛ سولماز، 1394؛ ایزدی، 1394 | -حق به محیط زیست | 26 |
| مداح و روشنفکر، 1394؛ جودی گل­لر و همکاران، 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394؛ موسویان، 1394؛ پیران، 1394؛ سولماز، 1394 | -حق به عدالت | 27 |
| مداح و روشنفکر، 1394؛ ترکمه و خدایی، 1394؛ جودی گل­لر و همکاران، 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394؛ خیرالدین و دلایی میلان، 1394؛ سولماز، 1394 | -حق مالکیت  -حق تصاحب/تخصیص/تصرف فضا | 28 |
| مداح و روشنفکر، 1394 | خصوصی سازی فضای شهر | 29 |
| مداح و روشنفکر، 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394 | -حق به سلامت | 30 |
| مداح و روشنفکر، 1394 | -حق استفاده فیزیکی از فضاهای شهری | 31 |
| مداح و روشنفکر، 1394 | -تغیر در ارتباطات اجتماعی و مکانی شهر | 32 |
| مداح و روشنفکر، 1394 | -ایجاد نهادهای حکمرانی در مقیاس فراملی | 33 |
| مداح و روشنفکر، 1394 | -ایجاد زیرساخت ها | 34 |
| مداح و روشنفکر، 1394 | -برنامه ریزی همگانی | 35 |
| مداح و روشنفکر، 1394 | -وابستگی کمتر به نهادهای مقیاس بالاتر | 36 |
| مداح و روشنفکر، 1394 | -نهادهای حکمرانی در شهرها | 37 |
| مداح و روشنفکر، 1394 | -رقابتی شدن | 38 |
| مداح و روشنفکر، 1394 | -حرکت از سمت بازتوزیع تقاضامحور به عرضه محور | 39 |
| خیرالدین و دلایی میلان، 1394؛ مداح و روشنفکر، 1394 | -حق به توسعه | 40 |
| مداح و روشنفکر، 1394 | -حق ساخت و ایجاد شهر | 41 |
| جودی گل­لر و همکاران، 1394؛ مداح و روشنفکر، 1394 | -حق برخورداری ازآب، غذا و مسکن | 42 |
| مداح و روشنفکر، 1394؛ جودی گل­لر و همکاران، 1394؛ خیرالدین و دلایی میلان، 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394؛ سولماز، 1394 | -حق رشد و دسترسی به محیط زیست سالم | 43 |
| جودی گل­لر و همکاران، 1394؛ مداح و روشنفکر، 1394 | -حق برخورداری از کمک برای افراد با نیازهای ویژه  -بنیادهای خیریه | 44 |
| مداح و روشنفکر، 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394؛ پیران، 1394 | -حق به امنیت | 45 |
| مداح و روشنفکر، 1394 | -حق تجمع و تظاهرات | 46 |
| مداح و روشنفکر، 1394 | -حق اختصاص دادن به خود | 47 |
| مداح و روشنفکر، 1394 | -مبارزه سیستماتیک با سرمایه داری | 48 |
| ترکمه و خدایی، 1394؛ حائری، 1394؛ حائری، 1394 | -حق به فضا، تولید فضا، کنترل فضا | 49 |
| حائری، 1394؛ موسویان، 1394 | -حق تعیین/ تغیر سرنوشت شهری | 50 |
| ترکمه و خدایی، 1394؛ خیرالدین و دلایی میلان، 1394 | -پایان مالکیت خصوصی و سلطه سیاسی دولت بر فضا | 51 |
| ترکمه و خدایی، 1394 | -سازماندهی دوباره فضای شهری | 52 |
| ترکمه و خدایی، 1394؛ پیران، 1394 | -حق توجه به نیازهای اجتماعی | 53 |
| تقوایی و همکاران، 1394؛ پیران، 1394؛ موسویان، 1394؛ ترکمه و خدایی، 1394 | -حق به آزادی فردی | 54 |
| ترکمه و خدایی، 1394 | -حق به فردسازی در عین اجتماعی شدن | 55 |
| ترکمه و خدایی، 1394 | -حق شهر به حق اثر هنری | 56 |
| تقوایی و همکاران، 1394؛ جودی گل­لر و همکاران، 1394 | -حق به شفافیت در دولت | 57 |
| تقوایی و همکاران، 1394؛ جودی گل­لر و همکاران، 1394 | -حق به خلق/ بازسازی شهر دلخواه | 58 |
| تقوایی و همکاران، 1394؛ جودی گل­لر و همکاران، 1394 | -حق به اطلاعات | 59 |
| ترکمه و خدایی، 1394؛ پیران، 1394؛ خیرالدین و دلایی میلان، 1394؛ تقوایی و همکاران، 1394؛ سولماز، 1394 | -حق شهروندی | 60 |

از میان این معیارها، مواردی که قابل تجمیع بودند یا کمتر در مقیاس برنامه ریزی شهری قابل طرح طرح محسوب می­شدند، ادغام یا حذف شدند و فهرستی از 31 معیار قابل سنجش برای مفهوم حق به شهر تعیین گردید. در ادامه تلاش شد که این معیارها طبق مدل PESTEL به شش بعد حقوق سیاسی، حقوق اقتصادی، حقوق اجتماعی، حقوق فنی- کالبدی، حقوق محیط زیستی و حقوق قانونی دسته‌بندی شوند. در این فرآیند مشخص شد که برخی از معیارها، نظیر «حق به عدالت»، «حق به امنیت» و «حق به اطلاعات» در هیچ یک از شش بعد پیش گفته خلاصه نمی­شوند، در نتیجه بعد هفتمی به مدل PESTEL اضافه شد که شامل حقوق کلان می­شد. جدول زیر فهرست ابعاد و معیارهای مورد استفاده در این مقاله را نشان می­دهد.

**جدول 2: معیارهای منتخب مطالعه­ی حاضر برای سنجش حق به شهر، مأخذ: نگارندگان**

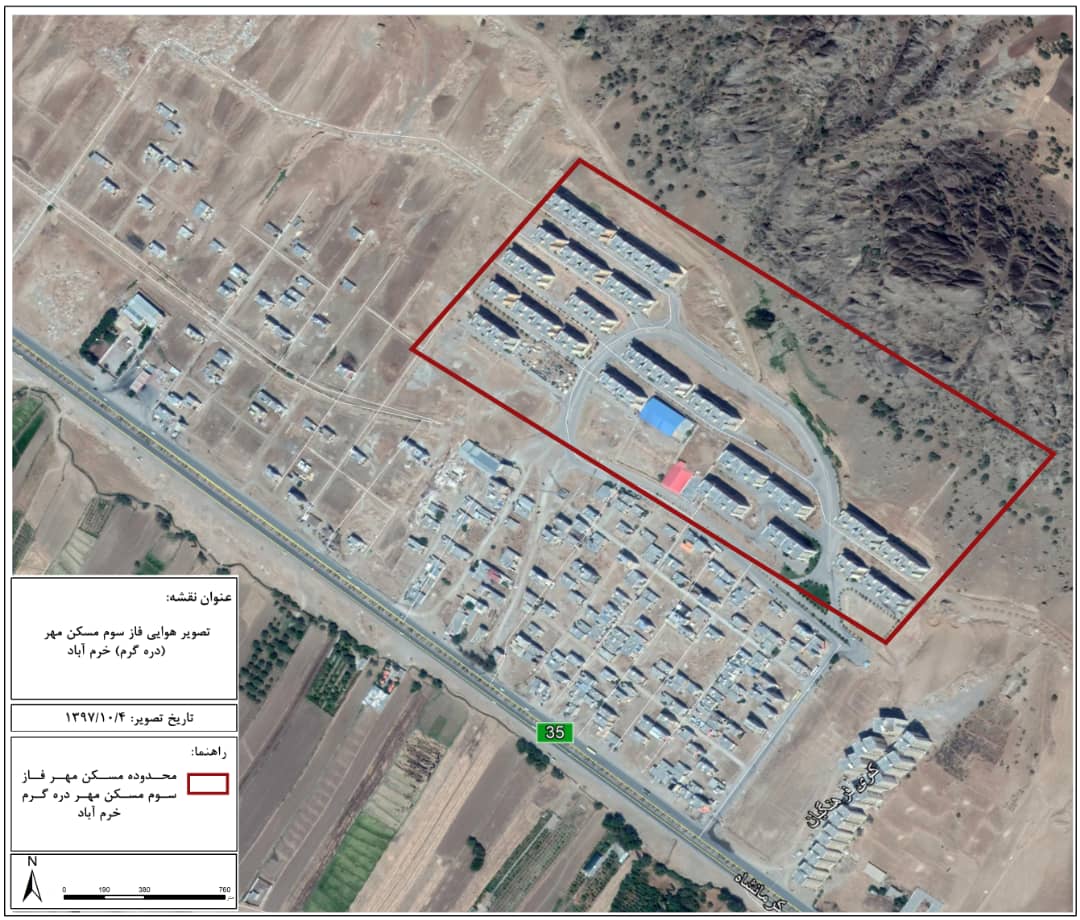
| حقوق کلان | حقوق سیاسی | حقوق اقتصادی | حقوق اجتماعی | حقوق فنی-کالبدی | حقوق محیط زیستی | حقوق قانونی |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| -باز تعریف هویت شهر  -حق به خلق/ بازسازی شهر دلخواه  -حق به عدالت  -حق به امنیت  -حق به اطلاعات | -جامعه ای مردم سالار  -حق تجمع و تظاهرات  -حق تعیین/ تغیر سرنوشت شهری  -حق به آزادی فردی  -حق به شفافیت در دولت | -فقرزدایی  -حق به کار  -حق برخورداری از کمک برای افراد با نیازهای ویژه | -حق به مشارکت  -ارتقای و پیشرفت حیات شهری  -حق توجه به بعد روحانی و عرفانی شهروند  -حق دسترسی به اوقات فراغت  -حق به مسکن اجتماعی  -حق توجه به نیازهای اجتماعی | -حق دسترسی به حمل نقل عمومی  -حق شهروندان به برنامه‌ریزی، مدیریت و طراحی شهری  -حق به دسترسی/ تامین نیازهای پایه‌ای/ خدمات شهری/ زیرساخت‌های شهری | -حق به محیط زیست  -حق به سلامت  -حق رشد و دسترسی به محیط زیست سالم | -حق تغیر شهر بر اساس خواست شهروندان  -تشکیل سازمان های مردم نهاد  -حق دسترسی به امکانات آموزشی و فرهنگی  -حق دسترسی به آب و غذا  -خصوصی سازی فضای شهر  -حق مالکیت و تصاحب |

پس از تبیین معیارهای فوق، سنجش آن‌ها از طریق طراحی پرسشنامه صورت پذیرفت. بدین منظور، به ازای هر معیار، یک گویه در نظر گرفته شد و از پرسش شوندگان خواسته شد که در چارچوب طیف لیکرت، از میان گزینه­های کاملا موافقم (امتیاز چهار) تا کاملا مخالفم (امتیاز صفر) درباره برخورداری مجموعه مسکن مهر خرم آباد (فاز سوم دره گرم) گزینه‌ای را انتخاب کنند. به علاوه پرسشنامه شامل یک سوال باز درباره رضایت کلی از وضعیت سکونت در مسکن مهر می­شود. تصویری از پرسشنامه در پیوست الف قابل مشاهده است.

روش نمونه گیری به صورت نمونه‌گیری تصادفی و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، با ضریب خطای 10% برابر 100 خانوار در نظر گرفته شد.

**4- معرفی محدوده مطالعاتی**

شهرستان خرم آباد، مرکز استان لرستان، با جمعیت 506 هزار و 471 نفر ، از کلانشهرهای مهم غرب کشور است. دره گرم یکی از محله‌های شمالی شهر خرم‌آباد است. این محله تا پیش از سال 1365 خورشیدی به عنوان یکی از روستاهای اطراف شهر محسوب می‌شد اما با گسترش جمعیت و رشد فیزیکی محدوده شهر به عنوان یکی از محلات خرم‌آباد به شمار آمد. این منطقه از شمال به شهرک پارسیلون از جنوب به میدان کیو از غرب به محله کوی جهاد و از شرق به کوه کمره‌سی ختم می‌شود. این محله (اگر بتوان آن را محله نامید)، با توجه به عبور بلوار ولایت در آن به دو آبشار زیبای دره گرم یکی از جاذبه‌های گردشگری شهر خرم آباد می­باشد. در برنامه مسکن مهر که بیشتر برای تامین مسکن ارزان قیمت برای فقرا سیاست گذاری شده است، دو محدوده کمالوند و دره گرم برای ساخت جمعا 6 هزار و 500 واحد در سه فاز، برای آن در نظر گرفته شده است. مسکن مهر شهرستان خرم آباد شامل سه فاز است. که فاز سوم آن در دره گرم قرار گرفته است.



**شکل1: تصویر هوایی فاز سوم مسکن مهر خرم آباد، بر اساس تصویر ماهواره‌ای Google Earth در دی 1397**

تعداد واحدهای ساخته شده مسکن مهر خرم آباد حدود 5000 واحد می باشد که از این تعداد واحد، تعداد 4000 واحد بهره برداری شده است و همچنین تعداد خانوارهای مستقر در این واحدها طبق آخرین برآورد حدود 2900 خانوار می باشد. محدوده مطالعاتی ما در مجموعه مسکن مهر فاز 3 در محدوده دره گرم (یکی از دو محدوده مسکن مهر) متمرکز است. تصاویر زیر، نمایی از این محدوده را نشان می‌دهند.

|  |  |
| --- | --- |
| C:\Users\TS\Downloads\IMG_20190308_093736_648.jpg | C:\Users\TS\Downloads\IMG_20190308_093721_306.jpg |
| C:\Users\TS\Downloads\IMG_20190308_093732_725.jpg |

**شکل 2: تصاویری از پروژه فاز سوم مسکن مهر خرم آباد، مأخذ: نگارندگان، تاریخ عکاسی: زمستان 1396**

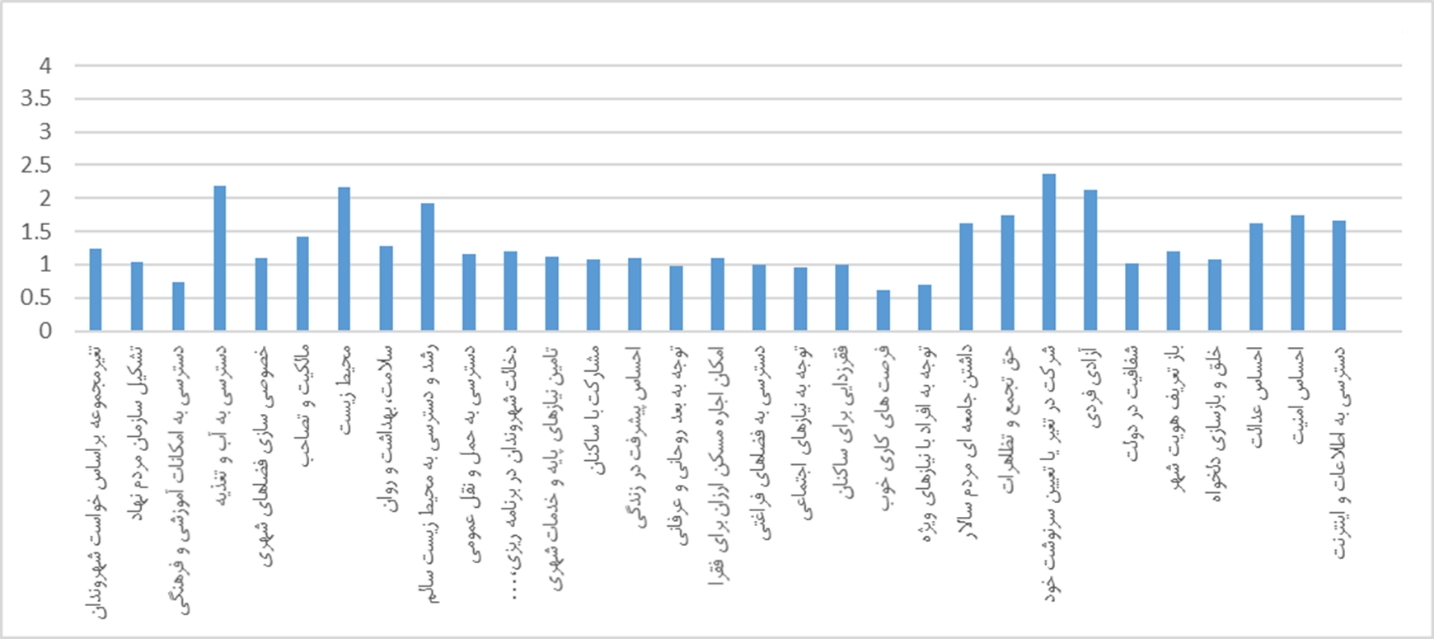
عملیات ساخت مجموعه مسکن مهر در سال 1390 آغاز شده است و تا زمان نگارش این مقاله (اسفند 1397) بالغ بر 5 هزار واحد در این شهر ساخته شده است که از این تعداد حدود 4 هزار واحد بهره برداری شده است. طبق سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران و همچنین مصاحبه با رییس سازمان مسکن و شهرسازی خرم آباد (شاکرمی)، در حال حاضر، حدود 2900 خانوار در این مجموعه ساکن می­باشند. با این حال، به نظر می‌رسد آنگونه که در ادامه شرح آن خواهد رفت، علی‌رغم هزینه‌های بخش دولتی در جهت تأمین حقوق افراد و به ویژه اقشار آسیب‌پذیر جامعه، این پروژه نتوانسته است به خوبی تأمین کننده‌ی حق به شهر برای ساکنان خود باشد.

**5- یافته‌های تحقیق**

یافته­های حاصل از پرسشنامه به شرح ذیل است:

1) بر اساس سوالات عمومی طرح شده در ابتدای پرسش‌نامه، 38 درصد از پرسش شوندگان زن و 61 درصد مرد بودند. از نظر مالکیت واحدهای مسکونی 64 درصد ماکیت دائمی و 34 درصد اجاره­ای بوده­اند. همچنین از نظر وضعیت اشتغال، 60 درصد پرسش شوندگان شاغل و 39 در صد آنان غیرشاغل بوده­اند. از نظر میزان سکونت 10 درصد پرسش شوندگان زیر یک سال، 49 درصد یک تا سه سال و 39 درصد سه تا پنج سال بوده­اند. شایان ذکر است با توجه به سال تاسیس مجموعه مسکن مهر فاز سوم (دره گرم) خرم آباد ساکنان با سابقه سکونت بالای 6 سال در این مجموعه وجود ندارد.

2) از میان سوالات مورد پرسش، کمترین امتیاز به معیار فرصت‌های کاری خوب و بیشترین امتیاز به معیار شرکت در تغیر یا تعیین سرنوشت خود اختصاص یافته است. نمودار زیر، وضعیت معیارها را به تفکیک نشان می‌دهد. در این نمودار، امتیاز صفر به معنای رأی «کاملا مخالفم» به معیارهاست و امتیاز به چهار به معنای «کاملا موافقم» است. جالب است که عمده‌ی معیارها امتیازی کمتر از 2 (متوسط) داشته‌اند.



**شکل 3: نمودار میانگین امتیاز هر یک از معیارهای حق به شهر در پرسش‌نامه‌های فاز 3 مسکن مهر خرم‌آباد (دره‌گرم)**

3) با توجه به پرسش­های انجام شده و جدول شماره 2 وضعیت امتیاز هر بعد (از 0 تا4) به صورت نمودار زیر است. در این نمودار عنکبوتی همه­ی معیارها هم وزن فرض شده­اند و عدد صفر به معنی وضعیت بسیار نامطلوب (میانگین معیارها منطبق بر وضعیت کاملا مخالفم درباره برخورداری مسکن مهر فاز 3 دره گرم خرم آباد از هر معیار) و عدد 4 به معنی وضعیت بسیار مطلوب ( میانگین معیارها منطبق بر وضعیت کاملا موافقم درباره برخورداری مسکن مهر فاز 3 دره گرم خرم آباد از هر معیار) است.

**شکل 4: نمودار میانگین امتیاز ابعاد مختلف حق به شهر در فاز 3 مسکن مهر خرم‌آباد (دره‌گرم)**

**6- بحث و نتیجه‌گیری**

آنگونه که شرح آن رفت، مفهوم حق به شهر و ابعاد آن، مورد توجه محققان مختلفی بوده است. مقاله‌ی حاضر تلاش داشت ضمن بررسی مطالعات پیشین و معیارهای به کار گرفته شده از سوی ایشان، ابعاد و معیارهایی را برای ارزیابی حق به شهر تبیین نماید. بر این اساس، مطالعه‌ی حاضر، 31 معیار را در هفت بعد پیشنهاد دارد و سپس نلاش کرد با تدوین پرسش‌نامه‌ای نسبت به سنجش میزان تحقق این معیارها از نظر شهروندان ساکن در یک پروژه‌ی شهری اقدام نماید. بررسی‌ها در محدوده‌ی فاز 3 مسکن مهر خرم‌آباد نشان داد که عمده‌ی معیارها امتیازی کمتر از متوسط داشته‌اند. به ویژه، مهم‌ترین ضعف در حوزه‌ی حقوق اقتصادی شهروندان نظیر حق دسترسی افراد به فرصت‌های کاری خوب است. این امر به ویژه از این جهت حائز اهمیت است که مسکن مهر (و به طور کلی مداخلات دولتی در حوزه‌ی تأمین مسکن)، معمولا با شعار حمایت از دهک‌های کم‌درآمد و اقشار آسیب‌پذیر اقتصادی صورت می‌پذیرد، در نتیجه ضروری است که برنامه‌های روشنی برای توانمندسازی و کارآفرینی برای ساکنان در این پروژه‌ها در نظر گرفته شود. معیارهای دیگری که امتیازی پایین‌تر دریافت کرده‌اند، حق دسترسی به امکانات آموزشی و فرهنگی، توجه به افراد با نیازهای ویژه (نظیر معلولان)، توجه به نیازهای اجتماعی، و حق دسترسی به فضاهای فراغتی است. در نتیجه می‌توان ادعا کرد که الگوی تأمین مسکن، بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌ها و خدمات مورد نیاز و توجه به حق برخورداری شهروندان از یک فضای غنی فرهنگی، موجب شده است علی رغم صرف هزینه‌های دولتی، حق به شهر برای افراد تأمین نگردد. انجام این مطالعه نشان می‌دهد که دولت‌ها در شرایطی که قصد داشته باشند شرایط بهتری را برای اقشار آسیب‌پذیر اقتصادی فراهم کنند، توجه به کارآفرینی، توانمندسازی، تأمین اجتماعی و رفع نیازهای فرهنگی و فراغتی افراد (به ویژه اقشار دارای نیازهای خاص) باید اولویت راهبردی هر برنامه‌ای باشد. این در حالی است که مداخله برای تأمین مسکن به صورت مسکن مهر یا هر ایده‌ی مشابه آن، لزوما به تأمین حق به شهر منجر نمی‌گردد. پژوهش‌های آتی می‌توانند از الگوی ارزیابی پیشنهادی در این مطالعه، در پروژه‌های دیگری نظیر طرح مسکن اجتماعی، طرح مسکن پیشگام، و پروژه‌های بازآفرینی شهری نیز استفاده نمایند.

**7- منابع**

* ایراندوست، کیومرث، دوست­وندی، میلاد، (1394)، حق به شهر و سکونگتگاه­های فقیرنشین با تاکید بر سکونتگاه­های خود انگیخته شهری در ایران، نشریه هفت شهر، دو فصلنامه عمران و بهسازی شهری (مرمت شهری)، شماره 49-50.
* ایرانمنش، محمد، مختاری، بهاره، (1394)، اکباتانی ها به دنبال حق شهر: نگاهی به کنشگری شهری نوزاد، در شهر اکباتان، نشريه هفت شهر، دوفصلنامه عمران و بهسازي شهري (مرمت شهر)، شماره 49-50، صفحه 247-230.
* ایزدی، محمدسعید، (1394)، تحقق گفتمان حق به شهر، شرط لازم بازآفرینی پایدار شهری، نشريه هفت شهر، دوفصلنامه عمران، بهسازي شهري (مرمت شهر)، شماره 49-50، صفحه 2.
* پورسل، مارک (1397)، جهان های ممکن: هانری لوفور و حق به شهر، ترجمه مجید ابراهیم پور، پایگاه انسان‌شناسی و فرهنگ، [accessed on 21 Jan 2019].
* پیران، پرویز، (1394)، سخن آغازین، حق مشخص به شهر مشخص، دوفصلنامه عمران، بهسازي شهري (مرمت شهر)، مقاله 6، صفحه 58-73 شماره 49-50، صفحه 51-8.
* ترکمه، آیدین، شیرخدایی، آناهید، (1394)، تببین مفهوم حق به شهر بر مبنای دستگاه فکری هانری لوفور، نشريه هفت شهر، دوفصلنامه عمران، بهسازي شهري (مرمت شهر)، 75شماره 49-50، صفحه 67-74.
* تقوایی، علی اکبر، عزیزی داود، یزدانیان، احمد، (1394)، بررسی نقش نظریه حق به شهر در تولید و بازتولید فضای شهری، نشريه هفت شهر، دوفصلنامه عمران، بهسازي شهري (مرمت شهر)، مقاله8، دوره4، صفحه 88-99، شماره 49.
* جودی گل لر، پویا، زمانیان، روزبه، فتحی، حمید، (1394)، ردیابی انگاشت عدالت در نظریه های شهر و شهر نشینی: نظریه شهری انتقادی و نظریه حق به شهر، نشريه هفت شهر، دوفصلنامه عمران، بهسازي شهري (مرمت شهر)، شماره 49-50، صفحه 113-100.
* حائری، وحید، (1394)، کندوکاوی ساختاری در مساله حق بر شهر، نشريه هفت شهر، دوفصلنامه عمران، بهسازي شهري (مرمت شهر)، 165 شماره 49-50، صفحه 183-165.
* حسینیون، سولماز، (1394)، زیست غیر رسمی و حق به شهر، نشريه هفت شهر، دوفصلنامه عمران، بهسازي شهري (مرمت شهر)، شماره 49-50، صفحه 253-248.
* خیرالدین، رضا، دلایی میلان، ابراهیم، (1394)، تقابل "حق مالکیت خصوصی و حق به شهر" در بستر اقدامات نوسازی شهری(مطالعه موردی: اتوبان امام علی در محلات اتابک و مینایی)، نشريه هفت شهر، دو فصلنامه عمران، بهسازي شهري (مرمت شهر)، شماره 49-50، صفحه 131-121.
* رفیعیان، مجتبی، الوندی پور، نینا، (1394)، مفهوم پردازی اندیشه حق به شهر; در جستجوی مدلی مفهومی، جامعه شناسی ایران شماره دو، سال شانزدهم.
* طالبی، حامد؛ حجت، عیسی؛ فرضیان، محمد (1393)، بررسی نقش حکومت، مردم و معماران در پیدایش کوی‌های مسکونی کوتاه‌مرتبة تهران در دورة پهلوی دوم، هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره 19، شماره 1، بهار 1393، صص 32-23.
* کامی شیرازی، سیده مهسا؛ سلطان‌زاده، حسین؛ حبیب، فرح (1396)، نقش گروه‌های اجتماعی- فرهنگی در شکل‌گیری کوی‌های مسکونی دوره پهلوی دوم در تهران، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، پاییز و زمستان 1396، دوره 7، شماره 2، صص 49-25.
* مچیل، دن (1394)، بی­خانمانی به عنوان جزء وجودی و عالم گیر جامعه: یا، چرا ما باید برای "حق مشخص به شهر مشخص" پیکار کنیم، ترجمه رابعه اخباری نیشابوری، نشريه هفت شهر، دوفصلنامه عمران، بهسازي شهري (مرمت شهر)، شماره 49-50، صفحه 57-54.
* مداح، هما، روشنفکر، پیام، (1394)، حق به شهر از اندیشه تا عمل، نشريه هفت شهر، دوفصلنامه عمران، بهسازي شهري (مرمت شهر)، مقاله 6، صفحه 58-73 شماره 49-50.
* مرکز آمار ایران (1397)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1395،پایگاه اینترنتی مرکز آمار ایران، [accessed on 21 Jan 2019].
* مطهری، مرتضی، (1389)، مجموعه آثار، جلد11، چاپ6، انتشارات صدرا.
* موسویان، سیدمجتبی، (1394)، دیکتاتوری مونیستی در پس پلورالیسم نمایشی متخصصان شهرسازی، مانع بزرگ تحقق "حق به شهر"، نشريه هفت شهر، دوفصلنامه عمران و بهسازي شهري (مرمت شهر)، شماره 49-50، صفحه 213-208.
* Harvey, David, (2008), The right of city, New Left Review Journal53: 23-40.
* Lefebvre, Henri (1996), Writings on Cities, Blackwell, Cambridge, MA
* Marcuse and Soja (2011), Social or Spatial Justice? on the Right to the City, Journal City: analysis of urban trends, culture, theory, policy, action, Volume 15: 250-259.
* Purcell, Mark (2002), The right to city and its urban politics of the inhabitant, Geo Journal: 99-108.
* Purcell, Mark (2014), Possible worlds: Henri Lefebvre and the right city, Journal of Urban Affairs 36.1: 141-145.

**پیوست الف- تصویری از پرسش‌نامه سنجش کیفیت حق به شهر در فاز 3 پروژه مسکن مهر خرم‌آباد (دره گرم)**

